

بسم الله الرحمن الرحيم

برای دانلود متن درس [کلیک کنید](#)

مستحضرید بحث ما راجع به اجزا بود؛ اجزا امر اضطراری از اختیاری را بحث می کردیم. نتیجه ای که از مباحث دیروز حاصل شد این بود، وقتی عذر مستوعب کل وقت نیست اضطرار صادق نیست وقتی هم که اضطرار صادق نباشد اوامر اضطراری نمی آید.

و لذا ما رسماً عرض کردیم اگر عذر مستوعب نباشد و شخص در اول وقت با تیمم نماز بخواند بعد عذر برطرف شود چنین نمازی کفایت نمی کند.

جالب این است این مساله با مساله بعد(امر ظاهری) ارتباط برقرار می کند اگر کسی در امر ظاهری قائل به کفایت شود ممکن است در اینجا قائل به کفایت شود البته نه از باب امر اضطراری بلکه از باب امر ظاهری؛ ما همچنین نتیجه گرفتیم بدار هم جایز نیست یعنی نمی توان به نماز با تیمم در اول وقت اکتفا کرد. البته عرض شد که صبر کردن وجوب طریقی دارد یعنی برای روشن شدن شدت وضعیت است؛ لذا اگر کسی اول وقت نماز خواند صبر هم نکرد اتفاقاً تا آخر وقت هم عذرش برطرف نشد همین نماز با تیمم برای او کفایت می کند.

وجوب صبر در اینجا مانند وجوب احتیاط است که برای کشف واقع قرار داده شده است.

در درس دیروز، یک بحث مهمی مطرح شد که نیاز به توضیح بیشتری دارد؛ اگر یادتان باشد ما دیروز یک بحثی را با مرحوم عراقی آغاز نمودیم. عرض شد ما باید یک تعامل خوبی با عرف داشته باشیم باید موضوع را برای عرف تبیین کنیم تا او تصمیم گیری کند. می دانید که در مدیریت و فهم ادله، عرف عام مرجع است. ما اگر می خواهیم بفهمیم که آیا دلیل بدل اطلاقش مقدم است یا مبدل، باید به سراغ فهم عرف برویم.

ما در کتاب فقه و عرف جمع ادله توسط عرف را مطرح کرده ایم اما متأسفانه بعد از اینکه فقه و عرف را نوشتیم متوجه شدم این بحث بیشتر جای کار داشته و باید بیشتر توضیح می دادم.

اگر شما الان بیرون بروید و از اساتید بپرسید که در تعامل با ادله به سراغ چه کسی برویم؟ می گویند باید به سراغ عرف بروید. چرا که این ادله متلقاة به عرف (مردم) است.

اصالة الاطلاق، اصالة العموم، تقدّم مقید بر مطلق و... همه از عرف اخذ شده اند اما من با تجربه 40 ساله بگویم بعضی از اوقات با اینکه این قواعد از عرف اخذ می شود اما در مقام عمل فقیه از فهم عرفی فاصله می گیرد.

در درس دیروز آقای عراقی فرمود: فرق است بین دلیل مبدل با دلیل بدل؛ ظهور اولی را به شمول و ظهور دومی را به اطلاق و مقدمات حکمت دانست و... من سوال می کنم آیا این ها را می شود به حساب عرف گذاشت.

در جایی که ادله روی هم می ریزد مثلاً در برخی قسمت های کتاب صلاة مانند ادله رکعت سوم و چهارم و... یادم است ما 16 رقم دلیل داریم فقیه باید 16 رقم دلیل را مدیریت کند یا در برخی موارد بین ادله انقلاب نسبت رخ می دهد و... آیا این موارد جای عرف است؛ اصلاً عرف اینها را می فهمد؟!

در اینجا دو گزینه مطرح می شود. 1. پای عرف خاص را به میان بکشیم یعنی یک فاضل مجتهد مثل شیخ انصاری و صاحب جواهر و... پیدا شود و ادله را جمع کند. 2. در این موارد از عرف عام فاصله نگیریم بلکه موضوع را درست به عرف بیان کنیم تا او تصمیم بگیرد. در مانحن فیه گفتیم به عرف می گوئیم ما دلیل بدل داریم دلیل مبدل داریم وقت نماز هم موسع است و... جناب عرف، به نظر تو بدار جایز است یا نه؟ عرف هم نظر می دهد.

می‌دانید ما در زمان صدر اسلام مثلاً در زمان پیامبر و امیرالمومنین، امام حسین، امام سجاد و... مشکلی نداشتیم از زمان امام باقر و صادق علیهما السلام که عصر بارش بود این مشکلات پیش آمد روایات تقیه ای و... از زمان صادقین علیهما السلام پیش آمد و کار سخت شد و از عهده یک عرف ساده عربی خارج شد؛ ما در یک تابستان وقت مفصلی گذاشتیم ببینیم روایاتی که در مورد ارتباط ما با اهل بیت علیهم السلام است چگونه جمع می‌شود. من دیدم در اینجا 10 گروه ادله داریم در برخی روایات آمده ولایت ما فقط با عمل می‌رسد «انّ ولایتنا لا تدرک الا بالعمل» در برخی روایات آمده محبت ما در رسیدن به سعادت کافی است و... (توجه کنید مثل مرحوم مطهری سوبسید ندهید و محبت را به اطاعت تفسیر نکنید) جمع کردن بین این 10 گروه کار عرف ساده نیست. در اینجا دو راه داریم یا باید بگوییم جمع بین اینها کار عرف خاص- محقق نائینی، شیخ و... است (البته مشکل این کار این است که ادله متلقاة به عرف است نه متلقاة به شیخ انصاری و صاحب جواهر و...) یا باید بگوییم باید ادله را مدیریت کرد دسته بندی کرد اما در مقایسه، از عرف عام توجیه شده استفاده کنیم.

مرجعیت عرف عام نسبت به ادله بعد از عصر بارش «صادقین علیهم السلام» می‌تواند موضوع پایان نامه باشد و موضوع خوبی برای بحث است.

سوال:

1. اگر عذر مستوعب باشد طبیعتاً ادله اختیاری نمی‌آید و لذا اصلاً نمی‌شود به دلیل مبدل تمسک کرد و... پاسخ: ما با این حرف مخالف نیستیم و اجزا را در این مورد می‌پذیریم. اما ما معتقدیم اگر عذر در وقت برطرف شد ما قائل به اجزا نیستیم؛ اگر کسی به خیال اینکه آب پیدا نمی‌کند و... نماز را در اول وقت با تیمم خواند ما در این مورد اجزا را نمی‌پذیریم. ما داخل وقت قائل به اجزا نیستیم ولی محقق عراقی فرموده: نسبت به حفظ قدرت دلیل مبدل حاکم است یعنی اگر آب داریم باید آب را نگه داریم و با آب جای درست نکنیم. برخی ها می‌گویند داخل وقت حفظ قدرت واجب است اما در خارج وقت حفظ قدرت لازم نیست؛ جالب اینکه برخی ها می‌گویند حفظ قدرت بعد از وقت هم لازم نیست طبق این قول آخر، اگر شخص بعد از دخول به وقت فقط به اندازه وضو آب داشته باشد می‌تواند با آن آب جای درست کند و برای نماز تیمم نماید. محقق عراقی می‌گویند: نسبت به حفظ قدرت دلیل مبدل اثر گذار است اما نسبت به اجزا ایشان می‌فرمایند دلیل بدل حاکم است از این رو ایشان به راحتی قائل به اجزا می‌شوند و اجزا را در داخل و خارج وقت می‌پذیرند.

ما می‌گوییم این فهم، فهم عرفی نیست.

ص 325 برگه

و قد یرکز علی ان لدلیل المبدل ظهوراً ام لا ... علی وجه لو فرضنا کون الاول بالوضع و الثانی بالاطلاق یقدم الاول علی الثانی. هذا کله بالنسبة الی تقدم اطلاق دلیل المبدل علی اطلاق دلیل البدل و لزوم حفظ القدرة لاتیان المبدل و عدم جعل المکلف نفسه عرضاً لتعلق حکم البدل به و اما بالنسبة الی الاجزا فلا یسقط اقتضاء اطلاق دلیل البدل و نتیجة ذلک الاجزا مطلقاً ... محقق عراقی می‌فرماید: اگر دلیل مبدل به وضع بود و دلیل تیمم به اطلاق و مقدمات حکمت بود آیه وضو مقدم بر آیه تیمم می‌شود.

ما در قسمت آخر با مرحوم عراقی موافق نیستیم و اجزا را در داخل وقت نمی‌پذیریم چرا که اضطرار را در صورتی که شخص 20 دقیقه مضطر باشد و... صادق نمی‌دانیم. (ما هم زمانی قائل به اجزا مطلق بودیم اما بعد از تامل به این نتیجه رسیدیم کسی که ده یا بیست دقیقه عذر دارد و... عرفاً مضطر به حساب نمی‌آید و لذا داخل وقت اجزا را نمی‌پذیریم.

نکته دوم: ما تحقیق در مساله کردیم و به این نتیجه رسیدیم که بدار جایز نیست و صبر کردن واجب است. ما قائل به عدم اجزا در وقت و اجزا در خارج وقت شدیم. و گفتیم اگر اجزا در خارج از وقت را نپذیریم باید دلیل بیاوریم و ما دلیلی بر عدم اجزا در خارج وقت نداریم.

نکته: ما یک بار اصولی بحث می‌کنیم یک بار فقهی بحث می‌کنیم الان بحث ما اصولی است و از زوایه اصول به بحث می‌پردازیم اما اگر این مباحث در فقه مطرح شود و موردی باشد ما در فقه ادله خاص را لحاظ می‌کنیم و ادله خاصه را مقدم می‌کنیم.

ما در باب تیمم صحیح زراره را داریم در این صحیح امام علیه السلام می‌فرماید: اذا لم یجد المسافر الماء فلیطلب مادام

الوقت فاذا خاف يفوت الوقت فليتييم. می دانید قطعا مسافر خصوصیت ندارد و منظور کسی است که عذر دارد. سوال من از آقای عراقی این است با این روایت چکار می کند آیا این روایت را ملاحظه کرده اند یا نه؟ البته ممکن است ایشان بفرمایند من اصولی بحث کرده ام نه فقهی.

نکته سوم: من از ابتدا که اضطرار را مطرح کرده ام به تیمم، تقیه، و کسی که لباس پاک ندارد مثال زده ام. ما تقیه را به تبع برخی ها داخل در بحث کردیم. ولی من یک نفر (محقق خویی) را پیدا کرده ام که پای تقیه را به این بحث نمی کشد و می فرماید: من بحث ما اوامر اضطراری است که می خواهد به جای واقع بنشیند و... اما در تقیه، عمل تقیه ای عمل غلطی است اما مصلحت بیرون باعث می شود ما بگوییم تقیه.

فرق بین نماز با تیمم با نماز با با تکتف چیست؟ مرحوم آقای خویی می فرمایند بین این دو (نماز با تیمم با نماز با تقیه) فرق وجود دارد.

بحث فردا: اگر به هر دلیلی در اجزا شک کردیم آیا جای اصل برائت است یا اصل احتیاط است یا استصحاب است؟ عده ای قائل به برائت شده اند عده ای قائل به احتیاط شده اند و عده ای قائل به استصحاب شده اند.

الحمد لله رب العالمین